

## ■ روابط تهران- آنکارا

و بازرگانان ایرانی تجارت با ترکیه به جای تجارت با کشورهای عرب حوزه خلیج فارس مانند دوبی باشد. تا پایان سال ۲۰۱۰ در حدود ۱۴۷۰ شرکت ایرانی در ترکیه فعال بودند این در شرایطی است که تعداد این شرکت‌ها در سال ۲۰۰۲ تنها ۳۱۹ شرکت بود. بانک‌های ترکیه نیز بالاترین میزان تلاش خود را برای بازگذاشتن مسیر تجارت بین تهران و آنکارا انجام دادند و حتی برخی تحریم‌های آمریکا و جریمه‌های آن را نیز به جان خریدند. با وجود اینکه پس از مدتی این ارتباطات کمتر شد اما دولت آمریکا همچنان نگرانی‌هایی را در خصوص استفاده از بانک‌های ترکیه برای دور زدن تحریم‌ها توسط ایران ابراز می‌دارد، با وجود اینکه مسأله سوریه روابط ایران و ترکیه را وارد فاز شکنندگی کرد اما دولت‌های دو کشور با وجود تمام اختلافات همچنان به دنبال ادامه دادن شراکت خود در منطقه هستند. مسأله سوریه به موضوع اصلی در روابط ترکیه، ایران و روسیه تبدیل شد و تلاش هر سه کشور برای نفوذ منطقه‌ای خود را افزایش داد.

## ■ نقش آمریکا در توازن جدید قدرت در منطقه

فهم پویایی‌های منطقه‌ای در روابط ترکیه، روسیه و ایران برای توسعه و پیشبرد منافع ایالات متحده در منطقه خاورمیانه، قفقاز و آسیای مرکزی مهم بوده و می‌تواند توازن ارتباطات بین هر کدام از این سه کشور را دستخوش تغییر و تحول کند. سیاست‌هایی که هر کدام از این سه کشور در قبال دیگری دنبال می‌کند می‌تواند روابط آنها با ایالات متحده را تعیین کرده و بر سیاست‌های آمریکا به صورت مثبت یا منفی تأثیرگذار باشد. با توجه به حمایت تهران و مسکو از نظام فعلی در سوریه و تلاش آنها برای حفظ اسد در قدرت به نظر می‌رسد این دو، در مقابل ترکیه و ایالات متحده قرار گرفته‌اند. منافع ترکیه، روسیه و ایران در منطقه قفقاز نیز در تقابل با یکدیگر قرار گرفته است. میراث اتحاد جماهیر شوروی همچنان استراتژی روسیه در خصوص قفقاز را شکل داده و نقشی غالب در این منطقه را برای روسیه در نظر گرفته است. آنکارا به دنبال تبلیغ وابستگی متقابل میان سه کشور حوزه جنوب قفقاز با آنکارا است تا از این طریق بتواند حاکمیت خود و حوزه نفوذش در منطقه را افزایش و ارتباط خود در خصوص مسائل تجاری و انرژی با این کشورها را افزایش دهد. با وجود این رد کردن تلاش‌ها در سال ۲۰۰۹ برای عادی‌سازی روابط میان ترکیه و ارمنستان باعث نزدیک‌تر شدن آنکارا به باکو شد. از سوی دیگر ارمنستان جزو شرکای اقتصادی قدیمی ایران بوده و تهران تلاش دارد ضمن کمترین دخالت در بحران قره‌باغ به سمت حفظ رابطه خود با هر دو کشور ارمنستان و جمهوری آذربایجان رفته و در عین حال مقابله خود با مسکو در منطقه قفقاز جنوبی را کاهش دهد. این در شرایطی است که منافع واشنگتن در منطقه قره‌باغ بشدت به دیدگاه ترکیه نزدیک است و به نظر می‌رسد در آینده نیز واشنگتن و آنکارا در هر صورت با مسکو و تهران دچار اختلاف و تنش‌های بیشتری در حوزه قفقاز جنوبی شوند.

خروج نیروهای ناتو از افغانستان در سال ۲۰۱۴ (و خروج نیروهای آمریکایی از این کشور در سال ۲۰۲۱ که البته در این مقاله به آن اشاره‌ای نشده است) باعث ایجاد نگرانی‌هایی برای واشنگتن در منطقه شده است. منافع تجاری ترکیه و ضرورت ممانعت از حضور روسیه در افغانستان و به دست گرفتن کنترل انرژی در منطقه، باعث شده است واشنگتن در این خصوص با ترکیه همراه باشد. نگرانی اصلی ایران در این خصوص قاچاق مواد مخدر در منطقه و همچنین حفظ امنیت آسیای مرکزی برای عبور انرژی از طریق ایران است. حوادث بعدی در این زمینه می‌تواند بیشتر از پیش منافع سه کشور در منطقه را تعیین کند.

[۱] <https://ciaotest.cc.columbia.edu/journals/twq/>  
pdf.۲۲۳۱۴\_۰۰۲۷۲۹۷\_f/v۳۶۱۱

به دلیل حجم بالای مقاله، این متن خلاصه شده مقاله اصلی است.

روابط ترکیه با ایران نیز فرازونشیب‌های خاص خود را داشته است. باین حال محدودیت‌های بنیادی از آنچه ترک‌ها در تحلیل خود از آن با عنوان «شراکت با ایران» یاد می‌کنند وجود دارد که می‌توان از آن جمله به رقابت‌های منطقه‌ای، تردید در مورد نیات بازیگر مقابل و همچنین برخی مشکلات ناشی از قومیت و تفاوت‌های فرهنگی در این خصوص اشاره کرد. با این حال هر دو دولت تلاش دارند استراتژی اقتصادی سود مشترک و همچنین پیوندهای انرژی را به عنوان راهی برای مقابله با رویارویی سیاسی با یکدیگر به کار ببرند. یکی از عناصر کلیدی استراتژی ترکیه در منطقه، افزایش میزان تجارت و همکاری‌های اقتصادی با تمام همسایگانش است. تهران نیز تلاش دارد از بازار انرژی خود برای تأثیرگذاری بر ترکیه و همچنین جلوگیری از رقابت‌های سیاسی بیشتر در منطقه با آنکارا استفاده کند و اجازه ندهد تهران در بین همسایگانش منزوی شود. با وجود اینکه تعدادی از قراردادهای تجاری مهم ترکیه در تهران به بن‌بست خورده و به عنوان مثال توسعه فرودگاه بین‌المللی تهران و همچنین شبکه تلفن همراه ایران از طرف ترکیه نتوانست به مرحله اجرا برسد، اما ایران همچنان پنجمین شریک تجاری ترکیه باقی مانده است. حجم تجارت کلی بین ۲ کشور از ۱۰۰۵ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۱ به ۱۶ میلیارد دلار رسید. صادرات ایران به ترکیه به خصوص در بخش انرژی نیز به ۱۲ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۰ رسیده بود در سال ۲۰۱۰، دو دولت همچنین تصمیم گرفتند برای افزایش میزان حجم تجارت خود به ۳۰ میلیارد دلار راه‌های ارتباطی بیشتری با یکدیگر باز کرده و از مرزها استفاده بهینه‌تری داشته باشند باین حال برخی مسائل سیاسی و همچنین مسأله تحریم‌ها باعث شد ترکیه تنها ۶ درصد از تجارت ایران را تشکیل دهد. باین حال تحریم‌های اقتصادی آمریکا باعث شد ترجیح تجار



## شورشیان و جنگجویان خارجی که در قفقاز شمالی

فعالیت می‌کنند، سلفی‌های افراطی هستند که

با ایران همسو نبوده و از طرف تهران حمایت

نمی‌شوند. همچنین شواهدی وجود دارد مبنی بر

اینکه عناصر کلیدی نظام جمهوری اسلامی، قفقاز

را یک نمایش فرعی می‌بینند و آن را تهدیدی برای

مرزهای جمهوری اسلامی ندیده و بر مبارزه در حال

گسترش خود در خاورمیانه و شمال آفریقا تمرکز

کرده‌اند. بدین ترتیب به نظر می‌رسد روسیه و ایران

ضمن توافق ضمنی در خصوص سوریه و همچنین

عدم رویارویی در منطقه قفقاز، بنا دارند از اهداف

مشترک در رابطه با مسیرهای انرژی خزر حمایت

کنند

پتانسیل رشد چشمگیر تجارت بین دو کشور وجود دارد.

در بحث انرژی نیز، تجارت انرژی قابل سنجش کمی بین روسیه و ایران وجود دارد. هر دو با هم در بهره‌برداری از ذخایر گاز در دریای خزر همکاری کرده‌اند و در سال ۲۰۰۸ معاهده‌ای را امضا کرده‌اند که براساس آن برای توسعه ذخایر گاز و نفت ایران با یکدیگر توافق کردند. گزارش‌هایی مبنی بر فعالیت برخی از مدیران گازپروم در ایران در پروژه‌های این شرکت وجود دارد. در عین حال با وجود تأخیر در تکمیل نیروگاه بوشهر، ایران برای ساخت نیروگاه‌های دیگر به روس اتم که شرکتی دولتی در روسیه است، نزدیک شده است. این در شرایطی است که در زمان بستن قرارداد راکتورهای هسته‌ای بوشهر، موافقتنامه‌ای بین دولتی بین تهران و مسکو در سال ۱۹۹۲ به امضا رسید که ساخت ۴ راکتور هسته‌ای در ایران را پیش‌بینی کرده بود. مواضع دو دولت در خصوص تعیین مرزهای دریایی خزر نیز متفاوت است. با وجود این هر دو کشور، با توسعه خط لوله ترنس-کاسپین مخالف هستند.

در حالی که هر دو کشور در مخالفت با مسیرهای جایگزین برای انرژی دریای خزر متحد هستند، به نظر می‌رسد تهران و مسکو خود را رقیب بلندمدت در بازار اروپا می‌دانند. ایران و روسیه اعضای مؤسس مجمع کشورهای صادرکننده گاز هستند و با هم در حدود ۴۰ درصد از ذخایر گاز طبیعی جهان را در اختیار دارند. باین حال میزان هماهنگی سیاست‌های دو کشور در این خصوص بسیار محدود به نظر می‌رسد.

در مسأله تقابل با غرب در حالی که هم روسیه و هم ایران منافعی در به چالش کشیدن غرب دارند، برخی موضوعات سیاسی دو کشور را در این خصوص از هم جدا می‌کند. یکی از دلایل این مسأله ملاحظات روسیه در خصوص برنامه هسته‌ای ایران است. روسیه همچنین روابط سیاسی پیچیده‌ای را با غرب و همچنین با منطقه شرق آسیا دارد که خصوصیت ایران با این کشورها باعث ایجاد نگرش متفاوتی نسبت به دیپلماسی در این مناطق می‌شود.

یکی دیگر از مواردی که می‌تواند رابطه تهران و مسکو را بیش از پیش به یکدیگر نزدیک کند، عملیات‌های مبارزه با مواد مخدر ایران در داخل کشورش و همچنین در کشورهای حوزه آسیای مرکزی است که در برهم زدن تجارت مواد مخدر در آن منطقه کاملاً مؤثر بوده و می‌تواند تهدید جدی به وجود آمده این گروه‌ها علیه قانون، نظم و سلامت عمومی در منطقه را خنثی سازد.

پس از جنگ ۲۰۰۸ در گرجستان، ایران از نظر دیپلماتیک در قفقاز فعال‌تر شد تا از منافع خود در توسعه روابط اقتصادی و مسیرهای انرژی در آن منطقه محافظت کند. تهران تعدادی سرمایه‌گذاری جدی در پروژه‌های اقتصادی دوجانبه در منطقه را اعلام کرده است و اقداماتی را برای تسهیل این مسأله و سفر به ایران انجام داده است. پیشنهاد میانجیگری بین ارمنستان و جمهوری آذربایجان در مورد مناقشه قره‌باغ نیز در همین راستا بوده است؛ در حالی که تنش‌ها با جمهوری آذربایجان عمیق‌تر شده است، بسیاری از تحلیلگران روس و بین‌الملل بر این باورند تهران تصمیمی آگاهانه گرفته تا از ایجاد مشکل برای مسکو در قفقاز اجتناب کند. این خویشتنداری نفع زیادی برای تهران داشته و مسکو را ترغیب کرده است که به مخالفت جدی‌تر با تحریم‌ها علیه ایران بپردازد.

شورشیان و جنگجویان خارجی که در قفقاز شمالی فعالیت می‌کنند، سلفی‌های افراطی هستند که با ایران همسو نبوده و از طرف تهران حمایت نمی‌شوند. همچنین شواهدی وجود دارد مبنی بر اینکه عناصر کلیدی نظام جمهوری اسلامی، قفقاز را یک نمایش فرعی می‌بینند و آن را تهدیدی برای مرزهای جمهوری اسلامی ندیده و بر مبارزه در حال گسترش خود در خاورمیانه و شمال آفریقا تمرکز کرده‌اند. بدین ترتیب به نظر می‌رسد روسیه و ایران ضمن توافق ضمنی در خصوص سوریه و همچنین عدم رویارویی در منطقه قفقاز، بنا دارند از اهداف مشترک در رابطه با مسیرهای انرژی خزر حمایت کنند.



ویژه‌نامه سفر رئیس‌جمهور به روسیه □ دی‌ماه ۱۴۰۰